

## بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راجع به مفهوم شاکی و بزه دیده و آثار آن

حسین رنجبراصل<sup>۱</sup>، عباس بابایی خانه سر<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش اموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران شرق، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

عباس بابایی خانه سر

ababaei@qdiau.ac.ir

### چکیده

امروزه حمایت از شاکی جایگاه خاصی به لحاظ برقراری عدالت یافته است. بدیهی است منظور از حمایت در فرآیند دادرسی صرفاً حمایت‌های قضایی نیست، بلکه انواع حمایت از جمله حمایت تقنینی را نیز در برخواهد داشت و بدین سان می‌توان شاکی را به زیر چتر عدالت ترمیمی آورده و از مزایای آن بهره‌مند ساخت در این پایان نامه کوششی بعمل آمده تا پس از تبیین وضعیت شاکی وضعیت موجود در حمایت از شاکی را در فرآیند دادرسی مورد بررسی قرار دهد هر چند آنچه بیشتر شایسته امعان نظر در این فرآیند است مراحل ابتدایی فرایند یعنی بدو ورود یک شخص بعنوان شاکی میباشد اما حقوق شاکی در مراحل دیگر و در قوانین اخیرالصوب از جمله آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، از لحاظ نوع، نظری و کاربردی بوده و از نظر روش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته که با مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و بهره‌گیری از اینترنت و تحلیل و بررسی موضوع، متن نهایی به زیور طبع آراسته گردیده است.

**واژگان کلیدی:** بزه دیده، شاکی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بزهکار

## مقدمه

در نظام کیفری کشورمان ایران نگرش مثبتی نسبت به حمایت از بزه دیده وجود دارد البته این حمایت به صورت های مختلف اعم از مستقیم و غیر مستقیم انجام می پذیرد. البته باید خاطر نشان کرد که حرکتی خوبی در این زمینه در حال اتفاق افتادن است. چرا که در برنامه پنج ساله دوم توسعه قضایی در دوره آیت الله شاهرودی طرحی با عنوان «حمایت از افراد در معرض بزه دیدگان» در دستور کار قرار گرفت که هدف اصلی حمایت از بزه دیدگان و افراد در معرض بزه دیدگی بود. (برنامه جامع و عملیاتی پنج ساله دوم توسعه قضائی، ۱۳۸۳-۱۳۸۷) و از جمله دیگر اقداماتی که در زمینه حمایت از حقوق بزه دیده انجام شده می توان به اصلاحات قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و زنان در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ و ایجاد نهادی چون، نهاد درخواست ترک محاکمه کیفری، اشاره کرد. البته باید این را هم در نظر داشت که شناسایی و ترمیم موقعیت حقوقی بزه دیده در کلیه مراحل فرآیند کیفری و توجه به نیازهای او در طی این فرایند، شناسایی نیازهای بزه دیدگان و توجه هرچه بیشتر به حقوق معنوی (اخلاقی) او در کنار دیگر حقوقی که برایش به رسمیت شناخته ایم می تواند الگویی مناسب و راهگشا در جهت هرچه بیشتر از او باشد. بنا بر همین حساسیت، موضوع حمایت از بزه دیده و ارتباط تنگاتنگ آن با فرایند کیفری و ضرورت توجه به نقش و جایگاه بزه دیده در این فرایند و تحقق سیاست حمایت از بزه دیده را به خوبی نمایان می سازد. لذا در مراحل مختلف این فرایند است که حمایت از بزه دیده می تواند معنای واقعی خود را پیدا کند و تدابیر حمایتی تقنینی به ویژه رویکرد مفهوم شاکی و بزه دیده و آثار آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می تواند به منظور تضمین موقعیت مطلوب بزه دیده در فرایند کیفری جامه عمل به خود ببوشد نگارنده، ضمن انجام این پژوهش، به دنبال پاسخ به سؤال های زیر می باشد:

۱. آیا حقوق پیش بینی شده بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شامل تمامی مراحل رسیدگی می شود؟
  ۲. با توجه به سوال فوق، تخطی و عدم رعایت حقوق پیش بینی شده بزه دیده دارای ضمانت اجرای مطلوب و مؤثر می باشند؟
  ۳. آیا مقررات حمایت از حقوق بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطابق با مقررات و اسناد بین المللی می باشد؟
- با توجه به جنبه های مجهول فوق، قصد داریم در این مقاله، به پاسخ این مجهولات بپردازیم.

## ۱. جایگاه شاکی و بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

## ۱-۱- شناخت تحقیقات مقدماتی و جایگاه سیاست تقنینی آن در در حمایت از بزه دیده

تحقیق در لغت به معنای بررسی و پژوهش برای رسیدن به واقع امر است. (معین، ۱۳۸۴، ۲۲) در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰، از تحقیقات مقدماتی تعریفی نشده بود اما در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ (قانون سابق)، ماده ۱۹ به این امر اختصاص یافت. این ماده بیان می کند: « تحقیقات مقدماتی مجموعه ای اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی، تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد...»

تعریفی که قانون گذار از تحقیقات مقدماتی در قانون سابق کرده بود، بدون شک ناقص و نارساست؛ زیرا طبق تعریف فوق، اقدامات قاضی تحقیق، خارج از شمول این تحقیقات قرار می گیرد. (شاملو احمدی، ۱۳۸۳، ۱۷) به همین دلیل برخی از حقوق دانان در تعریف اقدامات تأمینی گفته اند: تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور تسهیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم با توجه به اصل برائت صورت می پذیرد و هدف اصلی آن آماده سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است. (آشوری، ۱۳۸۳، ۲۲) تا اینکه قانونگذار در سال ۹۲ در قانون آیین دادرسی کیفری به تعریف آن در ماده ۹۰ می پردازد که مقرر می دارد:

"تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام میشود."

در قانون جدید در بخش دو آن با عنوان " کشف جرم و تحقیقات مقدماتی"، مقنن فصلی را با عنوان " فصل اول- دادسرا و حدود صلاحیت آن" پیش بینی کرده است. طبق ماده ۲۲ مندرج در فصل اول این قانون؛ به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضائی هر شهرستان و در معیت دادگاه های آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین، در معیت دادگاههای نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می شود."

به موجب ماده ۲۳ آن؛ " دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم معاون، بازپرس و کارمند اداری دارد". ترتیب مزبور، در وضعیت مشابهی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی مقرر شده بود.

با توجه به تعریف بالا می توان گفت تحقیقات مقدماتی شامل سه دسته از اعمال قضایی می شود: الف. جمع آوری دلایل و قراین و امارات جرم؛ ب. جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و امحای آثار و علایم جرم؛ ج. اظهار نظر درباره ی بزهکار بودن یا نبودن متهم.

## ۲-۱- حقوق شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی

شاکی خصوصی حق دارد ضرر و زیان ناشی از جرم را مطالبه کند و مدارک و دلایل مربوط را تحویل مرجع تعقیب دهد تا پیوست پرونده کیفری شود. هم چنین شاکی حق دارد در صورت ذی نفع بودن قاضی در پرونده یا وجود قرابت بین متهم و قاضی از او بخواهد تا رسیدگی را متوقف و امور را به قاضی دیگری واگذار کند. شکایت شاکی برای شروع تحقیقات ضروری است اما شکایت صرف او بدون این که دلایل کافی وجود داشته باشد مجوزی برای دستگیری و بازداشت فردی نمی شود. این در حالی است که قاضی نمی تواند از رسیدگی به شکایت مطرح شده خودداری کند. اگر شاکی نتواند متهم را معین کند قاضی موظف است این کار را برعهده بگیرد. اگر شاکی صغیر، غیررشید و مجنون (محبور) باشد و به سرپرست او نیز دسترسی نباشد قاضی موظف است تعقیب و اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار متهم را انجام دهد. این در حالی است که شاکی حق دارد هنگام انجام تحقیقات، گواهان (شهود) خود را معرفی و دلایل اثبات ادعایش را بیان کند، ضمن این که می تواند ضرر و زیان خود را نیز با ارائه دلیل، قبل از صدور حکم با تقدیم درخواست «تامین خواسته» تضمین کند. هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک صادر کند. قضات و ضابطان دادگستری نمی توانند به بهانه اینکه متهم مخفی شده یا معین نیست یا دسترسی به او مشکل است تحقیقات خود را متوقف کنند. شاکی حق دارد در صورت ذی نفع بودن قاضی در پرونده یا وجود قرابت بین متهم و قاضی یا خودش با قاضی از او بخواهد که رسیدگی را متوقف و به قاضی بی طرف دیگری واگذار کند. شکایت شاکی از جهات قانونی برای شروع به تحقیقات است، اما صرف شکایت شاکی بدون وجود دلایل کافی مجوزی برای دستگیری و بازداشت دیگری نمی شود. شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است و قاضی نمی تواند از انجام آن خودداری کند. اگر شاکی نتواند متهم را معین کند قاضی مکلف به رسیدگی است. قضات ذی ربط و ضابطان دادگستری موظفند همه وقت شکایت کتبی یا شفاهی را بپذیرند. اگر شاکی محجور باشد (صغیر، غیررشید، مجنون) و به سرپرست قانونی او دسترسی نباشد و تعیین قیم نیز موجب از دست رفتن فرصت شود، مقام قضایی خود امر جزایی را تعقیب و اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، گواهان خود را معرفی و دلایل اثبات ادعایش را اظهار کند. اصولاً شاکی حق دارد از صورتجلسه تحقیقات مقدماتی رونوشت بگیرد. شاکی می تواند ضرر و زیان خود را با ارائه دلیل قبل از صدور حکم با تقدیم درخواست تامین خواسته تضمین کند. شاکی حق دارد هنگام معاینه محل یا تحقیقات محلی حاضر شود. اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم به دست آمده یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده باید به کسی که مال از او سرقت رفته یا اخذ شده به دستور قاضی بازگردانده شود.

## ۲. جایگاه شاکی وبزه دیده در مرحله دادرسی و اجرای حکم

### ۲-۱- جایگاه بزه دیده در مرحله دادرسی

در مرحله دادرسی و محاکمه که پس از صدور کیفرخواست انجام می شود نیز مجنی علیه به طرق مختلف مورد حمایت قانون واقع شده است که در این مبحث مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۲-۱-۱- تضمین حقوق بزه دیده در فرایند دادرسی

#### ۲-۱-۱-۱- حضور وکیل مدافع

وکلا دادگستری، یعنی کسانی که به طور حرفه ای آماده پذیرش دعاوی بزه دیده هستند و می توانند نقش موثری در احقاق حق وی ایفاء نمایند، باید در دسترس بزه دیده قرار داشته باشند.

آیین دادرسی کیفری وسیله است نه هدف. از یک سو وسیله ای است برای قاضی به منظور کشف حقیقت و از سوی دیگر ابزاری است برای طرفین دعوا در جهت دفاع از خود. در این میان مسئله حقوق دفاعی بزه دیده از جایگاه خاصی در دادرسی ها برخوردار است.

از جمله تضمین هایی که به نحو مطلوب و شایسته در راستای حفظ حقوق بزه دیده به کار می رود، شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی کیفری می باشد. وکیل باید انتخابی بوده و از تخصص کافی برخوردار باشد.<sup>۱</sup>

از آنجا که بیشتر بزه دیدگان با مسائل حقوقی آشنا نیستند و با مفاهیم و اصطلاحات پیش پا افتاده حقوقی بیگانه اند و گاه برای رسیدن به حق خود ممکن است به راه های ناحق متوسل شوند و به لحاظ عدم آگاهی از حقوق خود و ناآشنایی با قوانین و مقررات، اوقات دادگاه را تضعیف و بیهوده تلف کنند، لذا با بهره مندی این گونه افراد از داشتن وکیل، هم کار قاضی در تصمیم گیری آسان می شود و هم متداعیین به حق خود رسیده و نتیجه بهتر و عادلانه تری عایدشان می گردد. (حبیب زاده، ۱۳۸۳، ۱۸)

#### ۲-۱-۱-۲- علنی بودن

علنی بودن دادرسی در اصطلاح عبارت است از عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه ها در جلسه های دادگاه و انتشار جریان دادرسی با رعایت حق متهم و بزه دیده که یکی از معیارهای اساسی دادرسی عادلانه است. علنی بودن دادرسی یکی از تضمینات مهم رسیدگی های کیفری است که در قانون اساسی ایران و ق.آ.د.ک و اسناد بین المللی مختلف مورد تاکید قرار گرفته است.

علنی بودن دادرسی مستلزم فراهم آوردن شرایط و الزاماتی است برای برگزاری علنی محاکمه، لازم است که افرادی به جز طرف های دعوا و گواهان در جلسه رسیدگی حضور داشته باشند. بدین منظور، شهروندان باید از زمان و مکان جلسه های دادرسی آگاه یابند.

#### ۲-۱-۱-۳- تسریع دادرسی

رسیدگی در زمان مناسب، از قواعد مهم دادرسی عادلانه محسوب می شود که به ویژه در مرحله دادرسی به نفع بزه دیدگان باید مورد توجه قرار گیرد. در بند ۳ م ۶ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان آمده است: «اجتناب از هر گونه تاخیر غیر ضروری در رسیدگی به پرونده مطروحه و اجرای فرامین، دستورات یا احکام قضایی یا احکام قضایی صادره به نفع بزه دیدگان».

در مرحله صدور رای نیز سازوکارهای لازم برای رسیدگی در زمان مناسب پیش بینی شده است.

علت اینکه تاخیر در صدور آزادی کیفری جایز نیست مربوط به اهمیت این آراء می باشد و اصل تسریع در صدور رای سبب می شود که متهم از بلا تکلیفی بیرون بیاید و از حالت دغدغه خاطر خارج شود و بزه دیده نیز به حق خود برسد.

#### ۲-۱-۱-۴- حق استفاده از مترجم یا متخصص

در صورتی که بزه دیده، زبان فارسی ( زبان دادگاه رسیدگی کننده) را نفهمد، یا به علت جسمانی نظیر ناشنوایی، لال بودن، لکنت زبان و نظایر آن قادر به برقراری ارتباط مناسب با دادگاه نباشد، باید برای فهم صحیح خواسته های وی، از افراد مترجم و متخصص مربوطه استفاده شود.

قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که شاکی یا مدعی خصوصی فارسی نداند، دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می کند. و در همان قانون آمده است: «در صورتی که مدعی خصوصی کر یا لال باشند، دادگاه اقدام لازم را برای تحقیق از آن ها به وسیله اشخاص خبره معمول خواهد داشت». این خدمات باید به طور رایگان در اختیار بزه دیده قرار گیرد.

#### ۲-۱-۱-۵- رسیدگی به دعوای خصوصی در ضمن دعوای عمومی

رسیدگی در زمان معقول و متناسب اقتضاء دارد که کلیه دعوای حقوقی و کیفری بزه دیده در یک مرجع رسیدگی شود. رسیدگی مرجع کیفری به دعوای خصوصی بزه دیده در چارچوب رسیدگی سریع و فوری ارزیابی می شود.

امکان مناسبی که برای بزه دیده در این خصوص در نظام های عدالت کیفری فراهم شده، حق دعوای خصوصی در دادگاه کیفری است. بزه دیده به جای اینکه در دو دادگاه جداگانه طرح دعوا نماید، دعوا در مرجع واحد را خواهد داشت. دادگاه برای تسهیل دسترسی بزه دیده به سازو کارهای جبران خسارت و ممانعت از تقبل هزینه های بیشتر از سوی بزه دیده مکلف است در طول دادرسی به دعوای خصوصی نیز رسیدگی نماید.

با این شیوه، بزه دیده برای رسیدن به حقیقش، راه کوتاه تری را طی می نماید و از صدور آراء متناقض هم جلوگیری می شود. (خالقی، ۱۳۸۳، ۱۲)

مقتن در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ رسیدگی به دعوای خصوصی در حین دعوای عمومی را تاکید کرده است. مثلاً در ماده ۱۱ مقرر می دارد: تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا

<sup>۱</sup> به همین منظور قوانین متعددی در ایران به تصویب رسیده است. قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با اصلاحات بعدی که بر معلومات کافی وکیل برای وکالت در مواد یک و دو تاکید می نماید. برای حفظ حقوق اصحاب دعوا، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵، تشکیل کانون وکلای دادگستری را به عنوان موسسه ای مستقل و دارای شخصیت حقوقی پیش بینی نموده است.

مدعی خصوصی است. یا در ماده ۱۷: دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی مینماید. رسیدگی دادگاه کیفری به دعوای حقوقی زیان دیده از جرم، جزء لوازم اجازه طرح دعوای خصوصی در ضمن دعوای عمومی از طرف بزه دیده است. در واقع با چنین تدبیری به حمایت حقوقی از بزه دیده برخاسته است. بزه دیده، حتی در مواردی که موضوع در صلاحیت دادگاه اطفال باشد، از چنین مساعدتی برخوردار است.

#### ۲-۱-۱-۶- معافیت موقت از پرداخت هزینه دادرسی در دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم

مطالبه ضرر و زیان که به تبع امر جزایی در دادگاه های کیفری اقامه می شود جنبه مالی دارد؛ و با توجه به صراحت ماده ۵۵۹ قانون آ. د. ک ۱۳۹۲، مدعی خصوصی مکلف است براساس و به ماخذ مقررات مربوط به دادگاه های مدنی هزینه آن را تادیه نماید. اما در این ماده پیش بینی شده است که هر گاه مدعی خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تادیه هزینه دادرسی را نداشته باشد دادگاه می تواند مدعی را از تادیه هزینه دادرسی به طور موقت معاف کند و این یکی دیگر از حمایت هایی است که قانونگذار نسبت به بزه دیده معطوف داشته و از اطلاع دادرسی جلوگیری شود. ماده ۵۵۹- شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تادیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان میکند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی میکند از پرداخت هزینه شکایت معاف میشود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. در ادامه این ماده آمده است: رسیدگی به امر کیفری را نمیتوان به علت عدم تادیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار گردد.

#### ۲-۱-۱-۷- تشدید حکم مجازات بدوی در مرحله تجدید نظر خواهی

یکی از مواردی که می توان آن را جلوه حمایت از بزه دیده به شمار آورد، این است که هر گاه مجازات مقرر در حکم بدوی کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و شاکی تجدید نظر خواه به آن حکم اعتراض نماید، دادگاه تجدید نظر در صورت اقتضا اقدام به تصحیح حکم بدوی و تعیین مجازات مقرر قانونی می کند. در واقع چنین حقی برای شاکی تجدید نظر خواه فرصتی را برای بزه دیده ایجاد می کند که برای تعیین مجازات مقرر در قانون که قاضی دادگاه قائل به تخفیف آن شده است حق اعتراض داشته باشد. در مورد پیش بینی چنین اقدامی باید گفت در قانون آ. د. ک علاوه بر مدعی العموم، بزه دیده در مقام شاکی تجدید نظر خواه مجاز به حق در خواست تشدید حکم بدوی شده است.

#### ۲-۲- صدور حکم

از جمله موارد دیگری که مقنن، توجه به نقش بزه دیده داشته در فرایند صدور حکم می باشد که به آنها اشاره خواهیم نمود.

#### ۲-۲-۱- تضمین حقوق بزه دیده در فرایند صدور حکم

#### ۲-۲-۲- مستدل بودن احکام

یکی از اصول آیین دادرسی کیفری، اصل مستدل بودن آرای دادگاه هاست که در راستای تامین حقوق طرفین دعوا اعمال می شود و دادگاه ها را از تصمیمات غیر منطقی و خودسرانه باز می دارد. این قاعده به صراحت در اصل ۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است: «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است». در قانون آ. د. ک نیز همین مقررات رایبان کرده است: «رای دادگاه ها باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. دادگاه مکلف است حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیاید و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و دادگاه ها نمی توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض یا ابهام قوانین مدون از رسیدگی به

شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند. بنابراین صرف صدور حکم در موارد یاد شده، فی نفسه موجب احیای حقوق و تحقق عدالت نخواهد بود.

پس به حکم قانون اساسی و قوانین عادی دیگر یکی از عمده ترین الزامات قاضی، صدور رای مستدل و موجه است. الزام به توجیه رای مبتنی بر دلایلی است که از آن جمله می توان موارد زیر را بر شمرد:

«(۱) ذکر جهات و دلایل در رای به بزه دیده این امکان را می دهد که بر صحت حکم نظارت کنند و بدانند چه اسبابی نظر دادرسان را له یا علیه آنها بر انگیزخته است.

به علاوه، ذکر جهات و اسباب صدور حکم به اصحاب دعوا این امکان را می دهد تا چنانچه رای را به صواب نیابند، در مقام اعتراض و تجدید نظر خواهی، هم خود را صرف اثبات بی اساس بودن آن جهات و اسباب نمایند و توجه دادگاه عالی را به بی پایه بودن استدلال رای معترض عنه جلب کنند.

(۲) دلیل دیگر این قاعده، یکی از نکات روان شناسی است و آن این است که آنچه در ذهن انسان خوب بنشیند به خوبی و وضوح نیز بیان می شود ولی تصمیمات غیر معقول و ناپخته هنگامی که به مرحله بیان می رسند بی اعتباری خود را ظاهر می سازند. چه بسا اتفاق می افتد که انسان، بدون مطالعه، نظری اتخاذ می کند اما به هنگام تحریر در می یابد که آن نظر پایه و اساس ندارد و به واسطه عجز از استدلال مجبور به ترک آن می شود.» (صالحی راد، ۱۳۸۴، ۴۱)

بنابراین الزام کردن دادرسان به اینکه نظر خود را کتباً و به صورت موجه و مدلل صادر کنند برای آن است که آنان خود ارزش رای خویش را دریابند. (متین دفتری، ۱۳۳۴، ۲۵) یکی دیگر از جهات ضرورت مستدل بودن رای، تشبیه و ترویج فرهنگ عدم طرح دعاوی باطل و نیز پیشگیری از اعتراض های مکرر اصحاب دعوا به رای دادگاه است و غیر مستدل بودن رای، موجب اعتراض به آن و نهایتاً باعث اطاله دادرسی می گردد به عنوان مثال در پرونده های کیفری گاه دیده می شود که قاضی در خصوص متهم، قرار منع تعقیب صادر می کند بدون آنکه جهت و علت توجیهی این قرار را ذکر کند.

با عنایت به آنچه ذکر شد یکی از شروط قضاوت صحیح و مستدل شناختن مواد قانونی، قواعد حقوقی، حدود دلالت تعاریف قانونی و مانند آن است. برای نیل به اجرای مطلوب اصل یاد شده و تضمین صدور احکامی استوار و مستدل، اقدامات بسیاری ضروری می نماید که از آن جمله است:

«(۱) تامین بایسته استقلال و بی طرفی قضات

(۲) ابهام زدایی از قوانین

(۳) آموزش صحیح کار آموزان قضایی و وقت در گزینش قضات»

(۴) «توجه به نقد علمی آراء

(۵) تخصصی کردن دادگاه ها، کاستن از تعداد پرونده های شعب و تامین معقول معیشت قضات»

## ۲-۲-۳- تسریع صدور حکم

امروزه، یکی از اصول دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعاوی بزه دیده در زمان متناسب و معقول است بزه دیده که با وقوع جرم آسیب دیده، توانایی اش برای ادامه زندگی دشوار گردیده باید بتواند در زمان مناسبی، خسارت هایش را جبران شده ببیند و به وضعیت قبل از بزه دیدگی اش باز گردد.

هر اندازه، تعقیب بزه کار و متعاقباً محاکمه و رسیدگی به ضرر وزیان بزه دیده به درازا بکشد، به همان میزان آسیب های وارده به وی تشدید خواهد شد. ضمن اینکه بزه کاری که دستگاه عدالت کیفری را ناتوان از تعقیب خویش مشاهده کند نسبت به ارتکاب دوباره بزه کاری، تشویق می شود و همواره تهدیدی برای شهروندان محسوب می شود. «باید از اطاله دادرسی اجتناب شود؛ چه آنکه چنین امری در افزایش صدمات مادی و معنوی بزه دیده و حتی در تحریک وی جهت انتقام خصوصی موثر است.

اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزه دیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تنزل اجتماعی او کاسته می شود» (توجهی، ۱۳۸۳، ۳۶). بدین سان، دستگاه عدالت کیفری برای صیانت از نظم عمومی و امنیت جامعه باید در زمان مناسب و معقولی، بزهکار را شناسایی، تعقیب و محاکمه نماید و از این طریق، آسیب های بزه دیده را ترمیم نماید. در ماده ۴۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی بر حق رسیدگی در مدت معقول تاکید شده است و در ماده ۵ اعلامیه اصول پایه بر ایجاد سازو کارهای قضایی یا اداری مناسب جهت جبران فوری آسیب های وارده به بزه دیدگان تاکید شده است.

**۴-۲-۲- صدور حکم ضرر و زیان در ضمن حکم کیفری**

گسترده‌گی روابط اشخاص با یکدیگر و تنوع اختلافاتی که ممکن است از آن ناشی شود، به اندازه ای است که عملاً یک نفر نمی تواند در مقام تصدی امر قضاء نسبت به همه آنها اشراف داشته، و در طول مدت اشتغال قضایی خود در آنها تخصص یابد. از این رو، اصولاً دعاوی و اختلافات مردم بر حسب موضوع آنها به دو دسته کلی امور حقوقی و امور کیفری تقسیم گردیده است و صلاحیت مراجع قضایی نیز بر همین اساس تفکیک شده است. با این حال، ملاحظات علمی و هزینه های دادگستری را نیز نباید یکسره از یاد برد.

هنگامی که دادگاه جزایی پس از تحقیقات مقدماتی دادسرا و رسیدگیهای خود، به ابعاد مختلف اتهام متهم و نتایج آن آگاهی یافته و می تواند در مورد مسئولیت کیفری و مجازات او اتخاذ تصمیم نماید قادر به تشخیص و تعیین میزان ضرر و زیان ناشی از عمل متهم نیز خواهد بود.

در چنین مواقعی ممنوعیت دادگاه جزایی از صدور حکم در مورد جنبه ی اخیر و هدایت شاکی به سوی دادگاه حقوقی، سبب تصنیع وقت و هزینه اشخاص عادی و مراجع رسمی در تشکیل پرونده ای جدید در دادگستری است و این مرجع رسمی قضایی را از رسیدگی به امور مهم تر باز می دارد. (شیری، ۱۳۸۶، ۲۵)

در ماده ۱۴ قانون آ.د.ک ۱۲۹۰، تکلیف دادگاه به صدور حکم در این باره را مربوط به مواردی می دانست که « دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد» و نتیجه می گرفت که «... دادگاه جزایی نمی تواند با وجود حکم به محکومیت متهم، رسیدگی به دعاوی خصوصی را به دادگاه حقوقی احاله کند.» اما در صورتی که دادگاه جزایی متهم را بی گناه دانسته و رای به برائت وی می داد، دیگر مجاز به صدور حکم ضرر و زیان ناشی از جرم نبود.<sup>۱</sup>

چنانچه مطابق قانون اولیاتی در پرداخت خسارت از سوی مقامات مسئول پرداخت ذکر شده باشد، این اولویت هم باید در حکم قید گردد تا بزه دیده در مراجعه به اشخاص مذکور جهت دریافت خسارت با شک و شبهه ای مواجه نگردد و با اطمینان و قاطعیت اقدام به مراجعه کند. در مرحله بعد، دادگاه سایر ضرر و زیان وارد شده را که در برخی موارد خسارت ناشی از خسارت تلقی می شوند و در زمره منافع حتمی الحصول به مشار می آیند تعیین می کند و در مورد جبران خسارت های جانی هم مقنن قائل به تعیین دیه شده است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مسئول جبران خسارت را تعیین و ماده ۱۴ همین قانون میزان مسئولیت هر یک از اشخاص مسئول را به میزان مداخله می داند.

سیاست خسارت زدایی از بزه دیده اصولاً پرداخت خسارت را بر عهده مرتکب زیان می داند و در برخی موارد پرداخت عمومی خسارت از طرف نهادهای غیر دولتی مثل بیمه و در برخی موارد نادر پرداخت غرامت دولتی را پذیرفته است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۴، ۱۲)

بند (M) ۷۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی مقرر می دارد که دادگاه در مورد جبران خسارت بزه دیدگان یا در ارتباط با آنان، قواعد کلی از جمله استرداد، غرامت و اعاده وضع به حال سابق را مقرر خواهد کرد.

بدین سان، طیف گسترده تری از خسارات وارده به بزه دیدگان شناسایی می شود و با اتکا بر قابلیت های بزهکار و نیز امکاناتی که دادگاه در اختیار دارد، طرح مناسبی برای جبران خسارت های مادی، معنوی و روانی یا عاطفی بزه دیدگان تدارک دیده می شود.

<sup>۱</sup> ماده ۱۳ ق آ.د.ک ۱۲۹۰.

### ۳. نتیجه گیری و پیشنهادات

نظام کیفری ایران از گذشته تاحال با استفاده از شیوه های مختلف در تلاش بوده است تا از توجه به بزه دیده در فرایند کیفری غفلت نوزند.

با توجه به قوانین و مقررات حاکم بر فرایند کیفری ایران در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می توان گفت که قانون گذار در یک نگرش کلی حمایت از بزه دیده را پذیرفته و برخی از حمایت ها به صورت مستقیم متوجه بزه دیده است و در برخی موارد بزه دیده به صورت غیر مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. ولی چنین نگرشی نیاز به تقویت و گسترش دارد. با توجه به بررسی جایگاه حمایتی بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ معلوم می شود که مقنن همواره درصدد حمایت از بزه دیده بوده است. برای نمونه تاسیس نهاد درخواست ترک محاکمه کیفری از اقداماتی است که هدف اصلی آن مشارکت دادن هرچه بیشتر بزه دیده در فرایند عدالت جنایی است. بررسی جایگاه بزه دیده در فرایند کیفری ایران نمایان گر آن است که مقنن ضمن پذیرش اصول تضمین حقوق بزه دیده در مراحل مختلف فرایند، ملاک های حمایت از بزه دیده را در مراحل مذکور پیش بینی گردیده است. البته باید یادآور شد که بزهدار و بزه دیده به عنوان دو کنشگر اصلی جرم هستند و براساس اصل «تساوی سلاح ها» حمایت از بزه دیده نباید به حقوق مسلم و اصول بنیادی تضمین موقعیت متهم و بزهدار در فرایند کیفری خدشه ای وارد سازد و طرفین دعوا باید بتوانند فرصت مناسب برای دسترسی به عدالت را داشته باشند. اما با توجه به مباحثی که گذشت، می بینیم که قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری در برخی موارد از توجه خاص به بزه دیده به دور مانده است به طوری که سیاست جنایی کارآمدی در زمینه حمایت از حقوق بزه دیدگان در فرایند دادرسی وجود ندارد که موجب تشدید ضررهای مادی و معنوی بزه دیدگان در گذر از پیچ و خم سازمان های قضایی و پزشکی قانونی ایران شده است. بزه کار و بزه دیده به عنوان دو فاکتور اصلی جرم هستند و بر اساس اصل (تساوی سلاح) حمایت از شاکی نباید به حقوق مسلم و اصول بنیادی تضمین موقعیت متهم و بزهدار در فرایند کیفری خدشه وارد سازد و طرفین دعوا باید بتوانند فرصت مناسب برای دسترسی به عدالت را داشته باشند.

پیشنهاد های زیر برای دستیابی به این الگو میتواند راهگشا باشند.

ترسیم موقعیت حقوقی بزه دیده در کلیه مراحل فرایند کیفری و توجه به نیازهای او در طی فرایند و رفع این نیازها بر حسب تقدم و ضرورت، به بیان دیگر شناسایی نیازهای عمومی و نیازهای ویژه بزه دیدگان که رفع آنها در حمایت از آنها ضروریست توجه به حقوق انسانی اخلاقی شاکی در کنار حقوق عینی و مادی وی زیرا او در مقام یک انسان علاوه بر خواسته ها و علایق مادی دارای علایق و خواسته های معنوی نیز هست.



## منابع و مراجع

### الف-کتاب

- [۱] آشوری، محمد؛ ۱۳۷۹ آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ پنجم، جلد دوم.
- [۲] توجهی، عبدالعلی، ۱۳۸۳، علوم جنایی، اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران.
- [۳] متین دفتری، احمد، ۱۳۳۴ آ.د.م و بازرگانی، جلد دوم، تهران: حکم و طرق شکایت از احکام.
- [۴] معین، محمد؛ ۱۳۸۴ فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۲۲، جلد اول.

### ب-مقالات

- [۱] امیدی، جلیل؛ ۱۳۷۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، نشریه الکترونیکی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹
- [۲] حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،
- [۳] حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۸۵ وکیل مدافع در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، شماره ۲.
- [۴] رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۵، جرم انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- [۵] رایجیان اصلی، مهرداد؛ ۱۳۸۲، تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواریهای آن، نشریه حقوق، شماره ۲۸ و ۲۹
- [۶] شاملو احمدی، محمد حسین؛ ۱۳۸۳، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، دادیار.
- [۷] شیری، عباس، ۱۳۸۶، رفتار کرامت مدار با بزه دیدگان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴.
- [۸] صالحی راد، محمد، ۱۳۸۹، تاملاتی در باب مستدل بودن احکام دادگاهها، مجله حقوقی دادگستری شماره ۷.